روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه • ۲۱ تیر ۱۳۹۶ • ۱۷ شوال ۱۴۳۸ • ۱۲ جولای ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۹۰۹ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۴۲ • اذان صبح فردا ۴:۱۵ • طلوع آفتاب ۵:۵۹

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

حرف درشت

آیا می‌دانستید...

پوریا عالمی

• اینجا توییتر فیلتر است، اما همان کسانی که مسئول فیلتر هستند توی توییتر درباره اینکه توییتر توی ایران فیلتر نیست هر روز چیز می‌نویسند.

در اینجا برخی از مسئولانش از تریبون رسمی مسائل شخصی‌شان را مطرح می‌کنند و توی صفحه‌های شخصی اینترنتی مثل اینستاگرام درباره مسائل کشور اظهارنظر می‌کنند. اینجا مردم جنس اصل خارجی می‌خرند و درباره حمایت از تولید ملی توی میهمانی و اینترنت نطق می‌کنند.

اینجا- البته از قول یکی از دوستانم - برخی توی بطری نوشابه‌های غیربهداشتی خارجی، آب می‌ریزند و می‌گذارند توی یخچال. توی بطری آب هم نوشابه می‌ریزند و می‌گذارند صندوق عقب.

در اینجا برنامه‌های تلویزیون را برای مخاطب مریخی پخش می‌کنند و مریخی‌ها عاشق برنامه‌های تلویزیون ما هستند، چون خود ایرانی‌ها که ماهواره نگاه می‌کنند. در نتیجه ایران در زمینه ارتباط با فضایی‌ها و مریخی‌ها از ناسا هم جلوتر است. البته ایران متواضع است و شبیه ناسا عقده‌ای نیست که هرکاری می‌کند گنده‌اش کند. ما در اینجا برای اینکه نظر سیاسی‌مان را به سیاست‌مداران اعلام کنیم، عدد ۲ را به برنامه فوتبالی ۹۰ ارسال می‌کنیم.

اینجا هنرمندان، فیلم برای خارجی‌ها می‌سازند تا هنرمند مردمی بشوند.

در اینجا حریم خصوصی کاملا عمومی است و این هم به این دلیل است که ایرانی‌ها میهمان‌نواز و «درِ خانه باز» هستند. به همین دلیل یکهو یکی در را باز می‌کند و می‌آید توی خانه یا ماشین آدم سرک می‌کشد.

در کشور ما اگر دیپلماتی خیلی ظریف برود با جهان مذاکره کند، به سمتش گوجه پرت می‌کنند، اما اگر کسی به سمت دنیا گوجه پرت کرد می‌آورند تلویزیون و باهاش مصاحبه می‌کنند.

کارتون خواب

آروین

arvinmad@gmail.com

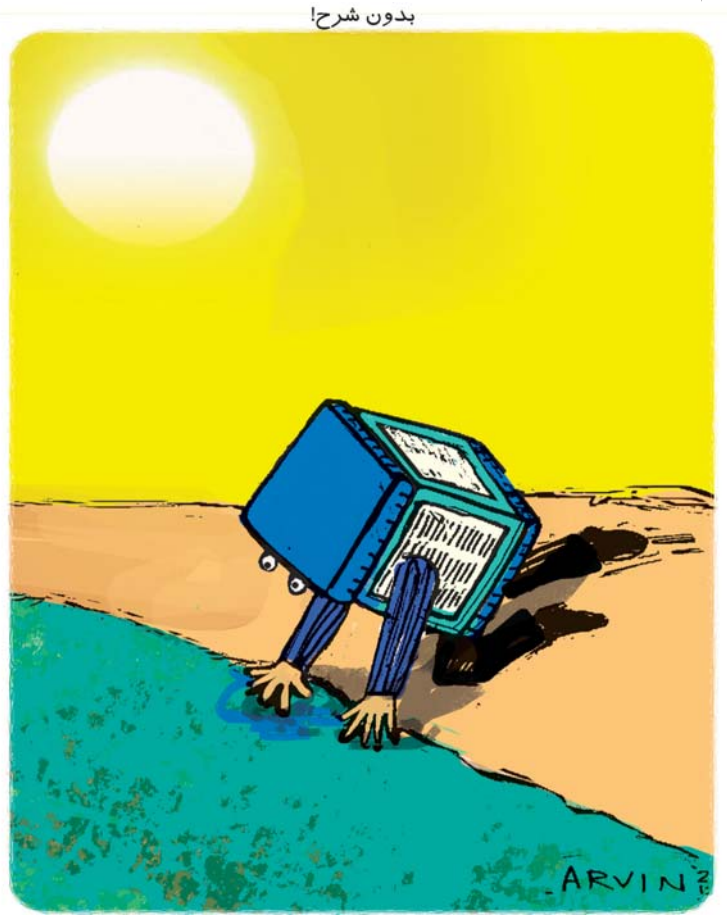

سلام به فردا

اهمیت دیپلماسی آب

الهه کولایی

در دهه‌های اخیر، موضوع نابودی محیط زیست و ازبین‌رفتن فضاهای مناسب برای زیست طبیعی بشر به یکی از اصلی‌ترین دغدغه جوامع مختلف و دولت‌ها بدل شده، اما دراین‌میان، کشورهایی مانند ایران، علاوه بر مشکلاتی از این دست، با بحران بی‌آبی و کم‌آبی نیز مواجه هستند که بدون شک برای سرنوشت منطقه و کشورمان، یکی از خطرات جدی به شمار می‌رود. به همین خاطر است که چنین موضوعی در یک چشم‌انداز کلان، به مسئله‌ای نگران‌کننده برای صاحب‌نظران سیاسی و اقتصادی بدل شده، اگرچه پیامدهای آن، تنها محدود به چنین حوزه‌هایی نیست و ابعاد مختلف آن می‌تواند در حوزه فرهنگی و اجتماعی نیز تبعات جبران‌ناپذیری داشته باشد. درحالی‌که مسئله بی‌آبی در کشور به یکی از مهم‌ترین بحران‌های خاموش بدل شده، بحران آب در آسیای مرکزی نیز به یک بحران امنیتی تبدیل شده است. جایگاه ویژه آب در سرفصل‌های توسعه، باعث شده که جریان رودخانه‌ها در بین خطوط مرزی کشورها به عاملی تنش‌زا میان آنها بدل شود و چگونگی بهره‌برداری از این منابع خدادادی (به وسیله احداث سدها، تقسیم آب، حقابه‌های قراردادی و قانونی و...) زمینه‌ساز تنش‌های سیاسی شود؛ برای نمونه بد نیست به اقدامات ترکیه در زمینه مدیریت آب رودخانه‌هایی که از این کشور به سمت عراق، سوریه و ایران می‌روند، اشاره‌ای کنیم؛ اقداماتی که بدون درنظرگرفتن معضلات و پیامدهای آن، در کشورهای پایین‌دست رودخانه‌ها انجام شده است. شاید اگر موضوع تروریسم در عراق و سوریه امروز مطرح نبود، منازعه بر سر آب میان آنها و ترکیه به یکی از چالش‌های امروز حوزه دیپلماسی خاورمیانه بدل می‌شد. در شرق ایران هم وضع از همین قرار است؛ موضوع آب و نحوه استفاده از رودخانه‌های مرزی، در روند بیابان‌زایی استان سیستان‌وبلوچستان تأثیر مستقیم گذاشته و بیش از همه به ما یادآوری می‌کند که حل بحران بی‌آبی و مقابله با بحران کم‌آبی از یک سو باید در فضای دیپلماسی بین‌المللی پیگیری شود و از سوی دیگر، وظیفه سنگینی را روی دوش شهروندان ایرانی قرار می‌دهد. اگر امروز بسیاری از استان‌های کشور با پدیده ریزگردها مواجه شده‌اند، اگر امروز کم‌آبی و به تبع آن بهداشت نامناسب در برخی نقاط ایران، سلامت مردم را تهدید می‌کند، اگر حورها خشک شده‌اند و تالاب‌ها از بی‌آبی در حال نابودی هستند، باید بیش از قبل توجه دولت‌ها را به این نکته معطوف کرد که نقش آنها در مدیریت منابع آبی از چه جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که می‌تواند به طور مستقیم، آینده ما را در این نقطه از جهان تعیین کند.

نقش آب و وضعیت محیط زیست کشور در مقوله امنیت و روابط بین کشورها، امروز به یک واقعیت غیرقابل‌انکار بدل شده است که چه در حوزه نظریه و چه در حوزه عمل، دغدغه دولتمردان بسیاری از کشورهاست؛ بنابراین نمی‌توان نقش برنامه‌ریزان بین‌المللی در مقابله با این پدیده را نادیده گرفت. حضور به‌موقع و نتیجه‌بخش آنها می‌تواند پیش از گسترش و تصاعد بحران، کارساز باشد و با همکاری‌های منطقه‌ای، از دامنه آسیب‌ها بکاهد. پیامدهای خشک‌سالی، جابه‌جایی جمعیت، مهاجرت، فشار بیشتر بر منابع آب زیرزمینی و حتی منازعات قومی و قبیله‌ای را در پی دارد و می‌تواند معیشت بخش بزرگی از مردم را در کوتاه‌مدت و همه مردم را در بلندمدت با مخاطره جدی روبه‌رو کند؛ بنابراین اهمیت تلاش‌های بین‌المللی، دولتی و مردمی در مقابله با این بحران، دوچندان می‌شود.

تحلیل روزمره

خودکشی و رسالت رسانه

دکتر مجتبی ارحام‌صدر

روان‌پزشک

چندی است که رسانه‌ها و افکار عمومی به آمار و ارقام خودکشی در ایران حساس شده‌اند و به‌تبع آن اخبار خودکشی و تحلیل علل و اسباب آن هم در جراید و فضای مجازی برجسته شده است. هفته‌ای نیست که خبر خودکشی و خودسوزی در روزنامه‌ها و کانال‌های ریزودرشت تلگرامی مطرح نشود و اغلب موارد خبر همراه است با جزئیات و تحلیل و احیانا توضیحی درباره انگیزه و داستان زندگی فرد قربانی.

آیا وضع ما نگران‌کننده است؟

چندسالی می‌شود نوعی نگرانی تشدیدشده و هیستریک پیرامون آسیب‌های اجتماعی از خودکشی گرفته تا خشونت و پرخاشگری و عصبانیت و طلاق در جامعه ایرانی موج می‌زند! همگان معتقد و باورمند شده‌اند اجتماع ما عصبی و بی‌مهار و بی‌اصول شده و ایرانیان در صدر عصبانیت و خودکشی و درگیری و نزاع و دیگرکشی قرار دارند! اگر هم خودبیمارپنداری جمعی ما گاهی فروکش می‌کند ناگهان گالوپ وارد می‌شود و بنزین روی آتش فروخفته دلواپسی ما می‌ریزد. اما واقعیت چیست؟ وضع سلامت روان و شاخص‌های آن از قبیل آمار خودکشی و طلاق و خشونت خانگی و اعتیاد چگونه است؟ آیا همین‌گونه که این‌روزها مصطلح شده، جامعه ایرانی عصبانی و بی‌کله و خطرناک است؟ مطابق آمار علمی و مستند اگر بخواهیم حرف بزنیم مثلا درباره خودکشی ما هنوز در میانه‌های نرخ و رقم سرانه خودکشی جهانی هستیم و باز براساس این آمار اوضاع اقدام به خودکشی ما از خیلی کشورهای پیشرفته و برخوردار سوسیالیستی اسکاندیناوی بسیار بهتر است.

در سایر حوزه‌های آسیب‌های اجتماعی نیز اگر قرار باشد به نتایج و ارقام و آمار علمی و معتبر و دانشگاهی رجوع کنیم، وضعیت مشابهی داریم مثلا در آمار طلاق و اعتیاد هم جامعه ما موقعیت نامناسبی در مقام مقایسه با میانگین جهانی و کشورهای همسایه ندارد. آنچه گفته شد برای درک واقعیت این جامعه است و شکستن فضای بدبینی رایج و معاصر به رفتار و کردار خودمان نه اینکه دستاویزی باشد برای توجیه کاهلی و غفلت از سلامت روان عمومی و فردی. اتفاقا اگر قرار باشد نگران باشیم دلایلی هست برای نگرانی و جاهایی هست برای اینکه توجه و تمرکز ما جلب شود تا آسیب‌های اجتماعی کاهش یابد.

خودکشی؛ معضل یا راه‌حل

مدت‌هاست متخصصان روان‌پزشکی و روان‌شناسان درباره نحوه پرداخت رسانه‌ای به مسئله خودکشی هشدار می‌دهند. مد روزگار ما این است که خبر و حتی عکس صحنه خودکشی یک انسان با آب‌وتاب زیاد منتشر می‌شود و معمولا هم متن خبر، خالی از تحلیل یا توضیحی درباره انگیزه عمل فرد قربانی نمی‌ماند! همین‌جا باید دقت کرد که هرگونه اضافه‌کاری در پیرامون و حواشی درج خبر خودکشی در رسانه و فضای مجازی که حال‌وهوای درک ماهیت عمل خودکشی باشد، می‌تواند پیغامی غلط به مخاطب بدهد درباره اینکه خودکشی می‌تواند یک راه‌حل در مواجهه با ناکامی و مشکلات زندگی باشد. به‌عنوان مثال وقتی خبر خودسوزی یک دست‌فروش منتشر می‌شود و در ادامه نویسنده توضیح می‌دهد که فرد به علت شکست مالی خودسوزی کرده، به صورت غیرمستقیم نوعی راه چاره ترویج می‌شود که هرگز واقعیت ندارد و منجر به اشاعه خودکشی و سایر رفتارهای آسیب‌زننده به خود می‌شود. فرهنگ ما نقطه ضعف کم ندارد به‌ویژه وقتی پای مشکلات و گرفتاری‌ها به میان می‌آید و افراد احساس بن‌بست می‌کنند و در این وضعیت رسالت رسانه‌ها خیلی حیاتی و ظریف می‌شود. نویسنده خبر خودکشی ای‌کاش بداند هرگونه بی‌دقتی در تنظیم متن می‌تواند به شیوع بیشتر خودکشی کمک کند نه محدودکردن آن. با این اوصاف آیا بهتر نیست اصولا خبر خودکشی سانسور شود؟ مخصوصا خودکشی آدم‌های معروف و شناخته‌شده؟ می‌دانیم علم هم توصیه به سانسور خبر خودکشی می‌کند و علتش همین خطراتی است که در کنار درج خبرهای این‌چنینی وجود دارد. برمی‌گردم به همان موج هیستریکی که پیش‌تر درباره‌اش توضیح دادم. فضایی که این‌روزها ایجاد شده و اصرار دارد جامعه ایرانی را بی‌اعصاب و خشن و خودتخریبگر ببیند، سلامت روان ما را در چه سمتی هدایت می‌کند؟ آیا این سیاه‌نمایی‌هایی که اغلب مستند و علمی هم نیست سبب نمی‌شود که تک‌تک ما مسئولیت فردی خود را در پاسداشت سلامت روانی جامعه نادیده بگیریم چون پیشاپیش حکمی در مورد ما که بیماریم صادر شده؟! انتشار آمار غیردقیق و نامعتبر در مورد خودکشی و خشونت و طلاق نه‌تنها سبب کاهش آنها نمی‌شود، بلکه به سرایت این گرفتاری‌ها مدد می‌رساند. شلوغ‌بازی و بزرگ‌نمایی مشکلات سلامت روان از قبیل خودکشی نه‌تنها به کاهش آنها کمک نمی‌کند، بلکه ممکن است اثر معکوس داشته باشد و از رهگذر نرمالیزه‌کردن رفتار، زمینه‌ساز شیوع و بروز بیشتر شود. هوشیاری و توجه علمی و اصولی به مسائل جامعه همواره با هولیکانیسم در اطراف آن موضوع فاصله بسیار دارد.

روزنامه‌نگاری پشت چراغ قرمز

داغ خوزستان!

مهرداد حجتی

نسل‌های مختلف، خوزستان را با خاطراتشان می‌شناسند. آنها که از خوزستان پیش از ۵۷ خاطره دارند، لابد آنجا را با آن تصاویر کارت‌پستالی به یاد می‌آورند که در ایام تعطیلات نوروزی غرق در سرور و شادی بود. همه‌جا زیبا و خوش و خرم بود؛ منطقه‌ای که فوج‌فوج جمعیت به آنجا سرازیر می‌شد و شیر و خورشید سابق و هلال‌احمر کنونی ناچار می‌شد برای اسکان مسافران در حاشیه رود کارون برای آنها کمپ تدارک ببیند. هتل‌ها که از مدت‌ها قبل رزرو شده بودند و مدارس هم به اشغال فرهنگیان درآمده بود. فقط می‌ماند «چادر» در هوای بازِ ساحل کارون. این وضعیت اغلب شهرهای مهم خوزستان نظیر اهواز، آبادان و خرمشهر بود. شهرهای دیگر هم از این قاعده مستثنا نبودند. آنها هم کم‌وبیش از مسافران نوروزی استقبال می‌کردند، اما شهرهای عمده همین چند شهر مهم بودند که به‌یک‌باره لبریز از مسافر می‌شدند. بازار «جین‌فروش‌ها» رونق می‌گرفت. بیشترین میزان فروش سال کاسبان خوزستانی در همین ایام تعطیلات نوروزی بود. آن زمان از هوای آلوده و ریزگرد خبری نبود. اطراف شهرها مدام «مالچ‌پاشی» می‌شد و باغ‌ها هم دورتادور آبادی‌ها را گرفته بود. من در آن سال‌ها کودکی‌ام را سر می‌کردم. سرتاسر شهر را می‌شد با دوچرخه طی کرد و کودکی را شاد و بی‌دغدغه سر کرد. محصولات کشاورزی خوزستان هم زبانزد بود. هندوانه، طالبی و مرکبات از جمله پرتقال و لیموی دزفول، به‌قدری وفور داشت که به مناطق دیگر کشور صادر می‌شد. آن سال‌ها، سال‌های شکوهمندی خوزستان بود. هرچند که اینجا و آنجایش فقر هم بود. محرومیت یا تبعیض، اما شهرهای مهم آباد بودند. خرمشهر بزرگ‌ترین بندر خاورمیانه بود. بیشترین حجم واردات و صادرات از همین بندر انجام می‌شد. به‌همین‌دلیل بزرگ‌ترین گمرک ساحلی را هم داشت، با حجمی فوق تصور! آبادان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پالایشگاه خاورمیانه را داشت و محله‌های «بریم» و «بوارده» هر صبح شاهد خروج شتابان مردان کاری بودند که با دوچرخه و پیاده به‌سوی پالایشگاه می‌رفتند. آن سال‌ها آبادان عروس خوزستان بود! در همان سال‌ها رود کارون هم قابلیت کشتی‌رانی داشت و تا آن زمان پرآب‌ترین رود ایران بود! دو سد از مهم‌ترین سدهای ایران که شبکه برق سراسری را تأمین می‌کردند در خوزستان قرار داشتند که مهم‌ترینشان «سد دز»، واقع در نزدیکی دزفول بود. کارخانه نورد لوله اهواز و کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه هم به رونق کار و تولید در خوزستان کمک و خوزستان را به قطب صنعتی ایران تبدیل می‌کردند. «سینمای آزاد» اهواز هم در آن سال‌ها به‌واسطه وجود نخبگانی همچون «کیانوش و داریوش عیاری» و گروهی از فیلم‌سازان آماتور نه‌تنها در سطح کشور که در بخش‌هایی از جهان شهرت داشت. شهرت فیلم‌های «هشت‌میلی‌متری» و «سوپر هشت‌میلی‌متری» نابغه سینمای آماتور ایران، «کیانوش عیاری»، از مرزها هم فراتر رفته بود و در آن‌سوی مرزها جوایزی گرفته بود.

اما آنهایی که از دوران جنگ خوزستان خاطره دارند، آنچه از اهواز و آبادان و خرمشهر به یاد دارند، سال‌های دود و خمپاره و انفجار است و مقاومت مردمی که هشت سال بی‌وقفه برای خاکشان جنگیدند و نهایتا دشمن را بیرون ریختند! اما در آن هشت سال همه آنچه که پیش‌تر موجب خرمی خوزستان بود، از کف رفت. دیگر خرمشهر، خرمشهر سابق نشد؛ همان خرمشهری که بزرگ‌ترین بندر خاورمیانه بود و بزرگ‌ترین اسکله و بزرگ‌ترین گمرک را داشت! آبادان هم پالایشگاه - نماد همه دوران‌هایش - را از دست داده بود. بمباران‌های مداوم چیزی از آبادی باقی نگذاشته بود. خرمشهر و آبادان به ویرانه‌ای بدل شدند که حتی وسعت ویرانی‌هایشان در قاب تصاویر هرگز نگنجید! اهواز هم از این ویرانی بی‌نصیب نماند. شهر پس از انفجار انبار مهمات «لشکر۹۲ زرهی» یکباره خلوت شد. اهواز به طور بی‌وقفه زیر خمپاره قرار گرفت تا مردم مقاوم ساکن شهر، شهر را تخلیه کنند؛ همان‌طور که با موشک مردم دزفول را هدف گرفتند تا آنجا تخلیه شود. خوزستان اما مقاومت کرد به قیمت ویرانی و تباهی ثروت و آبادی‌اش، اما تسلیم نشد، اما آنها که در این سال‌های اخیر از خوزستان خاطره دارند، خاطره دردناک «ذرات معلق گردوغبار» و «آب بویناک شهر» و «هوای داغ و شرجی چسبنده»؛ منطقه‌ای که گاهی خبر ناگوار «قطع آب و برق» از آن می‌رسد و دمای بالای ۵۳ درجه! هوای صاف و زلال سال‌های دور جای خود را به غبار مداومی داده است که مردم را مدام در خانه محبوس می‌کند! غباری کُشنده و آزاردهنده که هرروز بر حجمش افزوده می‌شود. آب کارون هم سال‌هاست کیفیت خود را به‌خاطر حجم زیاد فاضلابی که به آن ریخته می‌شود از دست داده است. خاک اراضی منتهی به مرز آلوده به مواد شیمیایی مصرف‌شده از سوی عراق است که حالا با جریان ریزگردها در هوا معلق می‌ماند و مدام به ریه مردم وارد می‌شود. از «خاک»، «آب» و «هوا» حالا هیچ‌کدام سالم نمانده‌اند! نسل امروز از خوزستان چه خاطره‌ای به همراه خواهد برد!

فرداگذرانی

نودوپنجمین جلسه دیدار و گفت‌وگو در کتاب‌فروشی آینده، به محمدحسین خسروپناه اختصاص یافته است. این نشست با همکاری مجله بخارا نه‌ونیم صبح پنجشنبه بیست‌ودوم تیر در باغ بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار برگزار می‌شود. محمدحسین خسروپناه سال‌هاست که درباره تاریخ معاصر ایران پژوهش می‌کند و حاصل کارهایش در شکل کتاب و مقاله منتشر شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از: سازمان افسران حزب توده ایران (۱۳۲۳-۱۳۳۳)، هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی ... آدرس: خیابان ولی‌عصر، سه‌راه زعفرانیه، خیابان عارف‌نسب، پلاک ۱۲، کتاب‌فروشی آینده.

پرشین پارس

مجموعه نمایندگی های مجاز فروش خودرو

2017 KIA

کد صنفی: ۰۳۳۵۸۷۲۳۵۶ - سال تاسیس ۱۳۸۱

مجموعه پرشین پارس در راستای توسعه و ارتقا کیفیت خدمات، ساختمان مرکزی امور مشتریان را به بهره برداری رساند

برای مشاوره و کسب اطلاعات بیشتر با کارشناسان فروش تماس بگیرید

ساعت کار در تمام شعب ۸ صبح الی ۲۱ و روزهای تعطیل ۱۶ الی ۱۹

شعبه سعادت‌آباد: سعادت آباد، نرسیده به میدان کاج، بین خیابان هجدهم و شانزدهم، پلاک ۵۵ ۲۲۳۵۰۰۱۱

شعبه کاشانی: بلوار کاشانی، روبروی پمپ بنزین، پلاک ۱۶۰ ۴۴۹۵۵۷۲۱

شعبه اسفندیار: خیابان ولیعصر، تقاطع نیایش و اسفندیار، پلاک ۲۵۶۵ (با پارکینگ اختصاصی) ۸۸۲۰۲۸۵۰

دفتر خدمات رفاهی پس از فروش: بلوار کاشانی، ساختمان گلزار، طبقه ۱ ۴۴۹۶۴۸۷۵

شعبه دولت: خیابان شریعتی، خیابان دولت، بعد از چهارراه قنات، پلاک ۲۵۳ ۲۲۵۶۴۴۷۶

ساختمان امور مشتریان: سعادت آباد، میدان شهرداری، خیابان سرو، خیابان بخشایش، خیابان ۱۳ غربی، پلاک ۲۷ ۲۲۳۵۴۰۳۹